

منبع	معدن	تجارت
منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه منبع www.smtnews.ir/about.html		
صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی « منبع »		
مدیرمسئول: عاطفه خسروی		
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸ - ۰۹۱۹۱۲۵۱۴۰۶		
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com		
تلفن: ۸۲۱۹۰ (داخلی--۱۰۸)		
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۱۰۵۲۸۸		
تهران، خیابان قائم مقام فر اهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کدپستی ۱۵۸۶۷۲۳۳۸۱		
روابط عمومی: pr@smtnews.ir		
چاپخانه: صمیم		
www.smtnews.ir telegram.me/smtnews tozi.smtnews@gmail.com	info@smtnews.ir instagram.com/smtnewspaper http://eitaa.com/smtnews	
https://ble.ir/smtnews		
عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی عضو انجمن مدیران رسانه عضو تعاونی مطبوعات		

یک دنیا هزار رويا

بابک بهاری: نمایشگاه یک دنیا هزار رويا: چهار اثر از کودکان ایرانی که چهار نگاه تازه را به عرصه نگاه آورده و تفاوت‌های بی‌واسطه را با مخاطب در میان می‌گذارند و دنیای ناخودآگاه شان را به عرصه خودآگاه مخاطب می‌کشانند.

نقاشی دوم: چشم ببری از میان پنج برگ سبز خیره به مخاطب. آیسون اسلامی



اجرای فرم (رنگ، شکل و ترکیب بندی) و موضوع (حضور خیره چشم ببری در مرکز) دو نکته اصلی و بنیانه هنرمند هستند. پنج برگ که اشاره به عدد پنج در آن مستتر می‌باشد اثر را با همه مینیمال بودنش با فرهنگ پیشینی این عدد پیوند می‌دهد. همنشینی رنگ‌های سرد و گرم و تضاد رنگ‌های سیاه و سفید در مرکز اثر و تضاد شکل‌های مثلثی برگ‌ها با نیم دایره‌ها و در نهایت چشم سیاهی که برق نگاهش مخاطب را مجذوب خودش می‌سازد و این بازی جذاب فرمی را به سامان می‌رساند. موضوعیت اثر با همه پیچ و تاب‌های عناصرش در نهایت به کمین و یا کنجکاوی حیوانی ختم می‌شود که مرکز توجه و نقطه آغازین حرکت حسی می‌باشد و حتی پس از بر گرفتن نگاه‌مان از اثر باز خاطره و احساسش ما را همراهی خواهد کرد که البته این مسئله ناشی از نقش چشم این سلطان احساسات است.

خط‌ها نیز چه آنها که روی برگ‌ها و چه آنهايي که بر چهره حيوان هستند نقش جهت‌دهی خود را به سويه حساس اثر به‌خوبي لحاظ می‌کنند. در آثاری که با نگاه چشمی مستقیم مواجهیم، در حقیقت در یک رابطه مهم و کلیدی انتقالی نیرو نه در سطح که در بیرون آن مواجهیم و حرکت مهمی که بدین لحاظ رقم می‌خورد، در تاثیر‌گذارترین نقاشی‌های مطرح (پرتره‌ها) و با آن مواجه می‌شویم. چشمی به کمین است و ما هم به کمین چشمی تا در این چشم به چشم دست آید گاهی.

نقاشی نخست: دنیای رویاها

نیکی خلج‌زاده

یک خط پررنگ مرزی تمامی این خیال‌پردازی‌ها و نقاط رویاساز را هم به یکدیگر مرتبط و هم آنها را با مخاطب به اشتراک می‌گذارد. تقسیم‌بندی منطقه‌ها با این خطوط مرزی سیاه‌رنگ می‌تواند نماد و اشاره‌ای به قاره‌ها، شهرها و آپارتمان‌ها و مغازه و پارک‌ها و ... اشاره داشته باشد. تصاویر و شکل‌های اتفاقی حیوان و انسان نیز بخش جالبی که مخاطب آن را کشف و سپس از ظن خود با آن ارتباط برقرار می‌کند. شلوغی و تقسیم‌بندی مکان‌ها و اتفاقات بین‌شان بنوعی چینش یک داستان سینمایی است که هر پلاتی در مکان خودش جای‌گذاری و تعریف شده است و در عین استقلال با نخ باریکی به همدیگر مرتبط شده‌اند، وحدت در کثرت. نقش عناصر فرمی از رنگ‌های سرد و گرم تا اشکال دایره‌وار که نمایانگر جهان‌ها و دنیاهای موازی و همتراز هستند را باید در نظر داشت. جداسازی رنگ‌ها و ترازمندی صحنه دو امر توأمانی هستند که اثر را پوشش مناسبی داده‌اند. حضور درخت نخل و قطعه قطعه بودن تصویر و شباهت کلی اثر به ماهی بزرگی که جهان را بلعیده، موارد متنوعی هستند که در ذهن هنرمند جمع شده و با این وصف که هر بخش ماجرای خاص خودش را دارد. در نهایت این یک داستان مفصل و گذر می‌کنیم و از دایره‌ای به دایره پا می‌گذریم و داستانی را دنبال می‌کنیم که آغاز و پایانش را از هر نقطه‌ای می‌توان شروع کرد و این کلاف دوار پایانش را پایانی نیست مگر شروع بی‌پایان.

نقاشی سوم: دنیای جدید علیسان کریمی

تقابل شلوغی و خلوتی و اهمیت براساس بزرگی و کوچکی برگرفته از فرهنگ بزرگ‌تر مهم‌تر است! اساس گفت‌وگوی درون اثر با مخاطب است. رنگ‌های یکدست و اشکال هندسی بازتابی از دنیا و دلمشغولی‌های هنرمند صفحه گسترده‌ای برابر مخاطب است تا خوانش عمیق روانشناسانه و اجتماعی از نسل برآمده دنیاهای مجازی و بازی‌ها و فیلم‌ها و سایر موارد ارتباطی‌شان به‌انجام رساند. آنچه در تصویر به‌نمایش درآمده، بدون سایه می‌باشد، در نتیجه بحث بعد و عمق از طریقی دیگر مانند دهان باز پرنده در جلوی صحنه به‌اجرا در آمده است. رنگ‌های سرد (آبی، بنفش و سبز) در بالای یک‌سوم کادر و رنگ‌های گرم (زرد، قهوه‌ای و ...) در یک‌سوم پایین و تقابل‌شان در مرکز بین این دو شاهد هستیم. خلاصه‌گویی در بیان داستان اثر با نمایش چهره صرف (تنها با تصویر چشم و دهان بدون خط چهره) به‌عنوان شخصیت کامل از دیگر نکات مورد‌اشاره می‌باشد. اثر ممکن است دارای قصه و نکات داستانی باشد که دارد اما برای خوانش این داستان پرشخصیت، نخست باید با جهان ذهنی و عینی این نسل ارتباط داشت، سپس به دنیایی‌شان ورود پیدا کرد. امری که کمی حوصله و توجه به مباحث روانشناسانه خصوصا نقش ناخودآگاه را در این دست آثار باید در نظر داشت. رهایی در ذهن اتفاق می‌افتد و سپس در خود اتفاق که اینک برابریان عینیت یافته، نمایان می‌شود. در این گستره انبوه سنگ گوهری فتاده بر بوم باید که جواهری و گوهرشناس باشیم.

نقاشی چهارم: (مونتاژ) گیسوان

پارسیان صالح آزاده مهابادی

خانمی با گیسوان بلند و مونتاژی بر صفحه کاغذی برابریان تصویر شده است.

چنین گیسوان تابیده و بلندی و برجسته‌ای برای شخصیت نکته چشمگیر درگیرکننده مخاطب با اثر است. اجرای ساده و مینیمال در لوازم از ورق مقوایی و مداد رنگی و چند رشته نوار به‌جای مو یادآور نکته مهم ترکیب کاربردی و ماهوی و خلاقانه مواد مورد‌استفاده است که اتفاق نهایی رابطه درونی و بیرونی اجزا و ذهن و بیانیه اثر را باهم به‌سرانجام می‌رساند. نبود دست راست و بینی و دهان کارکتر و چشم‌های مضطرب که با خطوط شکسته در اطرافش به‌نمایش درآمده، اثر را به یک عکس فوری و غافلگیرانه نزدیک کرده و این هراس ظریف نکته احساسی اثر است که بیننده را به اینکه منشأ این هراس چیست، سوق می‌دهد. خروج موها از کادر نقاشی نیز کارکردی چندجانبه و احساسی که بیرون از قالب امکان نزدیکی به بیننده و تجربه و لمس همان چیزی را می‌دهد که می‌بیند. اثر جمع دو اجرای هنری می‌باشد که قرار است فقط با چشم دیده و درک شوند. حضور اشیا، امر لمس و احساس کردن‌شان را که مربوط به مجسمه می‌باشد، در نقاشی نیز ممکن کرده است. مورد فوق دو صورت اجرایی هنر را درهم‌آمیخته و مخاطب

سخن پایانی

آزادی ذهن و تکیه بر ناخودآگاه و برقراری قراردادهای خودخواسته عمده رفتار کودکان در آثارشان است و همین پیوندی رها و خیال‌انگیز بین واقعیت و رویا برقرار می‌سازد که در عین حال به موجزترین روش داستان خودشان را بیان می‌کنند. باشد که گاه کودک درون را نگاهی بکنیم.

کارتون روز



طرح: حسین علیزاده

نگاهی بر نمایش «روزی برای آرزو»



تئاتر روزی برای آرزو به نوشتار و کارگردانی مرتضی سخاوت دریچه‌ای است رو به نگاهی نو و به مهر آمیخته، بازخوانی تاریخ اسطوره و افسانه زیر سایه‌سار اندیشه‌ها، نیازها، دردها و دغدغه‌های همیشگی انسان؛ آزادی، درک، روان، فرهنگ، ریشه و هویت. بازیگرهای پرچنب و جوش روی صحنه در ۳ دسته‌بندی بزرگسال، نوجوان و کودک جز یکی همگی بانو هستند.

نمایش درون داستان نویسنده‌ای رخ می‌دهد که آن را به شایستگی می‌نویسد. او با شخصیت کودک داستانش «آرزو» به گفت‌وگو نشسته تا شاخه معرفت را در دست‌های او بنشانند. برای دست یافتن به این شناخت در هر گام دخترک ۲۰ سال از زندگی خود را می‌بخشد، تا جایی که دیگر از زندگی خویش می‌گذرد؛ تماشگر در این سیر و سلوک همراه آرزو می‌شود و خیلی زود خود را میان خرده‌روایتی مدرن از اسطوره تاریخی آرش کمانگیر می‌بیند.

جریان میان پرده‌های اجرا چنان جاریست که تماشگر پایان پرده‌ای و آغاز پرده دیگر را کمتر حس می‌کند؛ از آن‌رو که شخصیت‌های مکمل هم‌زمان که دیالوگ می‌گویند و همخوانی، دکور و نمادهایش را جابه‌جا می‌کنند و تغییر لباس‌ها را به نرمی انجام می‌دهند، گاه ماسک بر چهره می‌زنند و گاه عروسک‌گردانی می‌کنند انگار همه اینها بخشی از ماجراست و نه مسئولیت‌های چندوجهی پشت صحنه و روی صحنه. نکته‌ای که شاید از نیروی اجرا را کمی می‌کاست به چشم آمدن کمیود امکانات اولیه سالن مانند مانی‌تورینگ بود که کارگردان می‌کوشید جای آن را با عکس و نقاشی ببوشانند.

نرگس کمانگر با بازی چشمگیر و چندنقشی خود توانست به بسیاری از نمادها و اسطوره‌های باستانی ایرانی جان ببخشد و از لاک فراموش‌شدگی‌شان بیرون بکشد، مادر آرزو، زن چنگ نواز، کمانگر بانو و گوزن شاخ بلند از جمله آنهایند.

موسیقی رزم با سازهای تاریخ‌ساز و باستانی مانند سرنا و کرنا، پایکوبی نمادین جای صحنه نبرد، آیین سوگ، آیین جوانمردی و پهلوانی، میل و کبابه و تخته شنا، تنبک زورخانه‌ای، همزاد و درخت گز، بهره جستن نوازانه از پیراهن‌ها و نخ ریسنده‌هایی از بالا تا پایین سبز آبی جای چشمه زندگی، سماع، دوک و دار قالی، سرپند گلونی و ۳ رنگ سبز، سفید و قرمز که مدام دیده می‌شوند، همگی از مهم‌ترین ارکان‌های فضاسازی نمایش هستند. برای انتقال مفهوم از خودبیگانی، مهر به سرزمین مادری، موشکافی حافظه جمعی و هویت فرهنگی، شناساندن باورها، ارزش‌ها، نابرابری بیدادگری و نکوهش جنگ در جامعه امروز. آرش نماد انسان آگاه می‌شود بهنگامی که دیگران از ترس در دل تاریکی فرو می‌خسبند، آرزو ادامه اوست.

آری، در این آیین، فرهنگ و مفهوم آزادی جنسیتی در کار نیست، جنگجو، جنگجوست. همچنان که فردیت آنگاه می‌تواند فردیت به‌شمار رود که ارزش‌های جمعی و وجدان اخلاقی را بشناسد و نیز بتواند برای معنایی چون هویت و آزادی در برابر نیست‌انگاری و پوچ‌گرایی از خود بگذرد.

نوشته مهتاب خطیر



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای علی‌اکبر حسن‌آبادی طبق وکالتنامه شماره

۲۱۸۷۳ مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۰۴ دفتر ۴۰ مشهد از آقای علی مخبر

ایرانی به استناد اوراق استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی

نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ۱۶۰

سهم از مدار کل ۵۰۰۰۰ سهم شش‌دانگ یک قطعه زمین به شماره

پلاک ۷۸۴ فرعی از ۱۵ - اصلی بخش نه مشهد مفقود شده است

با بررسی دفتر املاک معلوم شد مالکیت نامبرده ذیل دفتر املاک

شماره ۳۵۸ صفحه ۱۰۰ شماره سند ۵۶۹۴۹۳ ثبت و سند صادر

گردیده است. ضمناً یک عدد بازداشتی فعال دارد. دفتر املاک بیش از

این حکایتی ندارد لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک

نوبت آگهی و تذکر می‌گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی

معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد،

بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به

پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید.

بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول

اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور

سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

امید خیر خواه، ثبت اسناد و املاک ناحیه ۵ مشهد مقدس